

محمدحسین دانایی



آنچه پیش روی دارید، روایتی است که محمدحسین دانایی فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن دانایی، از زبان پدر و در توضیح چگونگی

حمله رضاخان به قم در پی تذکر دینی به همسر و فرزندانش بیان داشته است. نگاه دقیق راوی به حواشی و متن این رویداد، موجب گشته است که این واقعه بیشتر نسبت به سایر منقولاتی که در این باره وجود دارد، با دقتی بیشتر روایت گردد. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مقبول افتد.

یکی از رویدادهای مهم دوره طلبگی و حضور پدر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن آقا دانایی در حوزه علمیه قم، ماجرای حمله رضاشاه به قم، به قصد قدرت‌نمایی و ارباب روحانیون است. در مقدمه این بحث لازم می‌دانم اشاره کنم اصولاً دوره سلطنت رضاشاه یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی برای روحانیت و روحانیون بود و اگر حزم و احتیاط زایدالوصف و مدیریت مدبرانه شخصیت‌هایی چون مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی وجود نمی‌داشت چه بسا روحانیت و روحانیون در معرض آسیب‌های جدی‌تری قرار می‌گرفتند و تاریخ معاصر ایران نیز به گونه دیگری رقم می‌خورد. یکی از حوادثی هم که عمق بحران آن دوره را نشان می‌دهد حوادث نوروز سال ۱۳۰۷ در قم است. شرح این حادثه به روایت مرحوم حاج شیخ حسن دانایی که در آن هنگام یکی از طلاب مقیم مدرسه فیضیه و شخصاً شاهد همه وقایع بوده چنین است:

در سال‌هایی که قدرت رضاشاه روز به روز بیشتر می‌شد، زعامت حوزه علمیه قم به عهده مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بود. ایشان که در ک مسجدی از شرایط سیاسی-اجتماعی روز ایران و جهان‌آزمیز حوزه علمیه را به نحوی آداه می‌کرد که حتی الامکان از بازی‌های سیاسی دور باشد و از آسیب‌های آن محفوظ بماند، با وجود این در نوروز سال ۱۳۰۷ حادثه تلخی روی داد که روحانیت را دچار بحرانی عمیق و طولانی کرد. ماجرا بدین صورت بود که در آن سال تعدادی از اعضای خانواده رضاشاه مرکب از یکی از همسران و چند تن از فرزندان به قم آمدند و در رواق‌ها و غرفه‌های طبقه بالای حرم حضرت معصومه(س) مستقر شدند تا در مراسم تحویل سال شرکت کنند، اما چون پوشش و رفتار بعضی از آنها مناسب چنان مجلسی نبود، لذا یکی از روحانیان حوزه علمیه به نام شیخ محمدتقی بافتی یزدی که در آن زمان مسئول اجرای مراسم تحویل سال بود، از بالای منبر به آنان پرخاش کرد و تذکر داد احترام مجلس را حفظ کنند. اعضای خانواده رضاشاه که انتظار چنان برخورد توهین‌آمیزی را نداشتند، بلافاصله از مجلس خارج شدند و به تهران بازگشتند و طبیعتاً رضاشاه را بهانه بود، این فرصت را برای اجرای نقشه‌های خود مناسب دید و ظاهراً به قصد رفع اهانت از خانواده و تأدیب شیخ محمدتقی بافتی که از مخالفان شناخته شده سیاست‌های ضد دینی رضاشاه بود، در واقع به قصد سرکوب و ارباب و حتی تعطیل کردن حوزه علمیه نوبای قم دست به کار شد و دستور حمله فوری به قم را صادر کرد.

در نتیجه عداوتی از نیروهای نظامی مستقر در پادگان منظره به شبانه به سمت قم حرکت کردند و با استقرار در دروازه‌ها و ارتفاعات مشرف به شهر عملاً قم را در محاصره گرفتند. معائب استقرار نیروهای مزبور دسته دیگری از قشون مجهز به تانک و زره پوش تحت فرماندهی شخص رضاشاه وارد قم شد و در مواضع حساس شهر، از جمله در اطراف حرم حضرت معصومه(س) مستقر شد. سپس رضاشاه در حالی که سوار بر یک جیب‌آرتشی روی باز بود، به سمت حرم حرکت کرد و طی یک اقدام غیر عادی و دور از آداب معمول اماکن متبرکه که به صورت سواره وارد صحن شد و با اتومبیل تل‌جلوی پله‌های ایوان آینه پیش رفت. سپس در حالی که تعلیمی معروفش را هم در دست داشت با کفش وارد حرم حضرت معصومه(س) شد. گفتنی است در این هنگام، یعنی به محض ورود رضاشاه به ایوان حرم یک نفر روحانی ناشناس که از مدتی قبل به قم آمده بود و معمولاً هم در گوشه‌ای از ایوان آینه می‌نشست و عبادت می‌کرد از جا بلند شد و پس از ادای احترام نسبت به رضاشاه نقش راهنمایی او را به عهده گرفت. رضاشاه و ملازمانش هم با راهنمایی آن روحانی ناشناس به قسمت‌های مختلف حرم رفتند و ضمن فحاشی و تهدید حاضران مقداری از آینه‌کاری‌ها و چلچراغ‌ها را شکستند و بعضی از مردم، از جمله مرحوم بافتی را ضرب و شتم کردند و از طلب و خدام حاضر در حرم را بازداشت کردند و برند.

این ماجرا مقدمه‌ای بود برای اعلام حکومت نظامی. بنابراین تانک‌ها و کامیون‌های پر از سرباز در میادین و خیابان‌های شهر قم مستقر و بازارها و مغازه‌ها تعطیل شدند و مردم، مخصوصاً روحانیان و طلبه‌ها به خانه‌ها و حجره‌ها پناه بردند و وضعیتی مخوف بر شهر سایه انداخت و ضرب و شتم و تهدید و بازداشت گسترده مخالفان شروع شد. به طوری که مرحوم حاج شیخ حسن آقا دانایی نقل می‌کرد، ماجرای قم به قدری برای رضاشاه اهمیت داشت که شخصاً فرماندهی عملیات را به عهده گرفته بود و به کمین و تعقیب و گریز مخالفان و طلاب می‌پرداخت، کما اینکه وقتی راوی ماجرا در ساعات اولیه نخستین روز حکومت

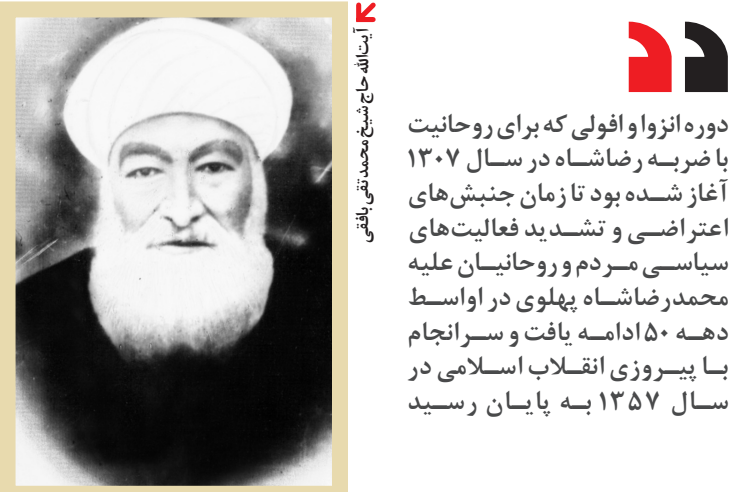


روایتی خواندنی از لشکرکشی رضاخان به شهر قم در پی تذکر دینی به همسر و فرزندان

آخوند! می‌خواهی خف‌هاات کنم؟!

نظامی در سایه روشن سحرگاهی برای ادای نماز از مدرسه فیضیه وارد صحن حضرت معصومه(س) می‌شود، ناگهان خودش را با شخص رضاشاه رویه‌رو می‌بیند که با چشم‌های قرمز و وضعیتی تهدیدآمیز و مخوف در حالی که پشت گردن او را گرفته بود با فریادی همراه با تحقیر می‌گوید آخوند! می‌خواهی خف‌هاات کنم؟! و بعد او را به سمت پله‌های رابط بین صحن حضرت معصومه(س) و صحن مدرسه فیضیه پرتاب می‌کند و با این حرکت نمایشی باعث ارباب طلابی می‌شود که با ترس و لرز داخل حجره‌های خود مخفی شده بودند و شاهد چنین رویدادی بودند. به هر حال این وضعیت تهدید و سرکوب چند روزی در قم ادامه یافت و مأموران

نظامی در سایه روشن سحرگاهی برای ادای نماز از مدرسه فیضیه وارد صحن حضرت معصومه(س) می‌شود، ناگهان خودش را با شخص رضاشاه رویه‌رو می‌بیند که با چشم‌های قرمز و وضعیتی تهدیدآمیز و مخوف در حالی که پشت گردن او را گرفته بود با فریادی همراه با تحقیر می‌گوید آخوند! می‌خواهی خف‌هاات کنم؟! و بعد او را به سمت پله‌های رابط بین صحن حضرت معصومه(س) و صحن مدرسه فیضیه پرتاب می‌کند و با این حرکت نمایشی باعث ارباب طلابی می‌شود که با ترس و لرز داخل حجره‌های خود مخفی شده بودند و شاهد چنین رویدادی بودند. به هر حال این وضعیت تهدید و سرکوب چند روزی در قم ادامه یافت و مأموران



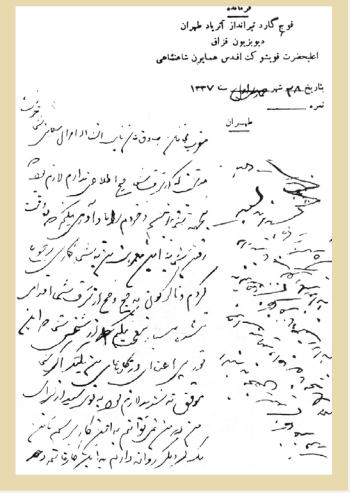
دوره انزوا و افولی که برای روحانیت با ضربه رضاشاه در سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود تا زمان جنبش‌های اعتراضی و تشدید فعالیت‌های سیاسی مردم و روحانیان علیه محمد رضاشاه پهلوی در اواسط دهه ۱۵۰۰ ادامه یافت و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به پایان رسید

اهل علم برای پوشیدن لباس روحانی، استفاده از معافیت تحصیلی و حتی برای سفر از تهران به قم هم محتاج مجوز از وزارت کشور (وزارت داخله)، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تشکیلات نظمی و اداره کل شهربانی بودند. این حادثه و انزوای ناشی از آن سرآغاز دور تاریخی تازه‌ای در حیات روحانیت شیعه در ایران بود و باعث شد رویکرد و مشی سیاسی مصلحت‌اندیشانه‌ای در روحانیت اتخاذ شود و

دولتی هم‌زمان با دستگیری مرحوم بافتی تعداد دیگری از روحانیان را دستگیر و عده‌ای را هم به خدمت سربازی اعزام کردند. سرانجام با استمالت و تعهد مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به تدریج فشارها کاهش یافتند و نظامیان پس از چند روز شهر را ترک گفتند. مرحوم بافتی هم پس از مدتی اذیت و آزار به شهری تبعید شد. ضمناً روایت شده است که چون مرحوم بافتی در مدت تبعید از قبول جیره دولتی و مصرف غذاهایی که مأموران برایش

نظری بر یک سند تاریخی خواندنی درباره پایه‌گذار سلسله پهلوی

نامه کوتاه رضاخان با ۱۹ غلط املایی!



غلط املایی در آن است که آیینیه میزان سواد او در آن دوران می‌باشد. امید آنکه انتشار این سند تاریخی در دورانی که پهلوی پژوهی رونقی در خور یافته است، برای تاریخ پژوهان مقبول و مفید آید.

بکنند اگر شما موفق نه‌شدید لازم بود به‌نوی‌سید از برای من که من نمی‌توانم به این کار برسم تا من یک... دیگر روانه دارم به این کار خاتمه دهد.

البته به محض رسیدن کاغذ فوری جواب بدهید و اجاره‌نامه‌چرا را هم به توست همان کاغذ با پست روانه دارید تا یک نفر دیگر روانه کنم به این کار رسیدن‌کی نماید. سرتیپ رضا»

آنچه پیش روی دارید نامه‌ای است از رضا خان سواد کوهی که در زمان سرتیپی به صادق خان نایب نگاشته است و کلایه‌های خود را از او مطرح ساخته است. نکته جالب توجه در این مسوده، وجود ۱۹

«مغرب الخاقان صادق خان نایب انشاله احوال سلامتی شما خوبست مدتی است که از طرف شما حج اطلاعی ندارم لازم بود که بچه‌ها شما به‌نویسیم و خودم را یادآوری می‌کنم که در وقت رفتن شما به این معموریت من به شما کاری رجوع کردم و تاکنون به حج و حج از طرف شما اقدامی نشده است تعجب می‌کنم از شخص شما که این قدر بی‌اعنای در کارهای من

رضاخان در واپسین سالین سلطنت در حاشیه یکی از یازدهینها

پیش‌خواب

به بهانه انتشار یادمان «ماهنامه شاهد یاران» برای عالم مجاهد آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی

سر فصل‌های شاخص یک زندگی

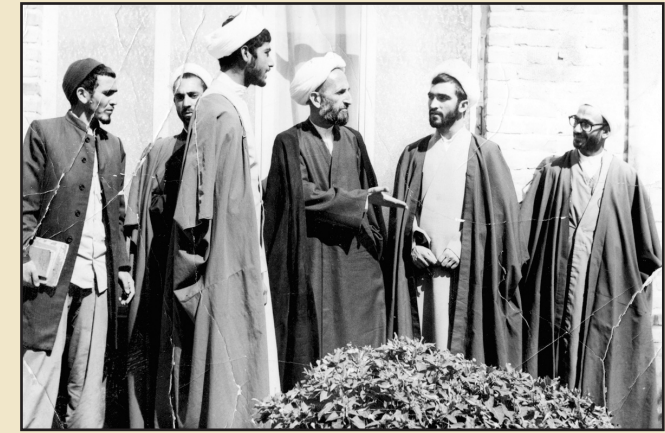


محمد رضا کائینی

یادمانی که در حال حاضر در معرفی آن در معرفی می‌رود، در مقام احصا و تبیین فضیلت‌ها می‌است که در پیام تاریخی رهبر

معظم انقلاب به مناسبت رحلت عالم مجاهد و متقی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی (رضوان الله تعالی علیه) بدان اشارت رفته است. نیک روشن است که ابعاد علمی، عرفانی و اخلاقی در منش شخصیتی چون آن بزرگ، جای پرداخت فراوان داشته و دارد، لیک یک نشر به تاریخی، بیشتر در پی واکاوی مکاتب سیاسی یک شخصیت مؤثر اجتماعی است و هم از این روی بیشتر صفحات این یادمان، به بسط این جنبه از شخصیت آیت‌الله خزعلی اختصاص یافته است. برای فهم بیشتر این مدعا، ابتدا مروری بر پیام رهبر انقلاب به مناسبت درگذشت آن بزرگوار، بهنگام به نظر می‌رسد:

«درگذشت عالم عامل و پرهیزگار مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی (رحمت‌الله‌علیه) را به خاندان محترم و همه بازماندگان و نیز به دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. عمر با برکت این روحانی بافضیلت، سرشار از نقطه‌های درخشان است، سالیان دراز بهره‌گیری از درس امام خمینی و دیگر فقهای بزرگ در قم و مشهد، همراهی با امام بزرگوار از آغازین روزهای نهضت انقلابی و دفاع شجاعانه از آن بزرگمرد و در دوران دشوار اختناق طاغوتی با بیانی رسا و صریح، حضور در مسئولیت‌های سنگین پس از پیروزی و عضویت در شورای نگهبان و مجلس



۱۳۵۵. آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی در سفر به سبزوار و در جمع برخی طلاب و روحانیون این شهر

خبرگان، صبر جمیل بر شهادت فرزندش در قم و در هنگامه حرکات انقلابی ملت ایران و نگاه حفظ قرآن و انس با آن و با دریایی بی‌پایان حدیث و نیز فعالیت بلندمدت در تبلیغ و بیان معارف اسلامی و آنگاه ثبات قدم در خط اصیل و صراط مستقیم انقلاب در همه حال و تا پایان زندگی. اینها سر فصل‌های مهم زندگی این عالم متقی و پرکار است که در دیوان الهی مضبوط و ماجراجو است آن‌شاه‌الله، رحمت و مغفرت الهی برای آن بزرگوار مسئلت می‌کنم.»

بی‌تردید بخش مهمی از زندگی عالم مجاهد، مرحوم آیت‌الله خزعلی، به مبارزه با رژیم طاغوت مصرف شده است، او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، دریایی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید: فجاج رژیم پهلوی چنان بود بر من تأثیر گذاشت که در آن شب، تب کردم از آغازین حرکت‌های ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دستگیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید.

پس از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ او در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، آیت‌الله خزعلی همواره در کنار رهبر کبیر انقلاب بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. وی در هجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیدار حضرت امام رفت. اسام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دست‌گناه کنار آمده است این مطلب باعث تأثر رهبر کبیر انقلاب گشت. در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیت‌الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل

همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقه فقیه و شناخت هوشمندانه توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیت‌الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره ماهی دلگرمی رزمندگان اسلام بود. برخی از مسئولیت‌های ایشان پس از انقلاب اسلامی به شرح زیر است: عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی - عضویت در مجلس خبرگان رهبری در سه دوره متوالی به نمایندگی از مردم استان خراسان - عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی آیت‌الله خزعلی به عنوان یکی از یاران صدیق امام و رهبری همواره بر تبعیت از ولایت مطلقه فقیه تأکید داشت به طوری در فتنه ۸۸ مواضع شفاف و قاطعی علیه فتنه‌گران داشت و از فرزند خود که در جریان فتنه نقش آفرین بود، بارها اعلام برائت کرد. دفتری که از آن سخن می‌رود، در بازخوانی ادوار گوناگون حیات این مجاهد بزرگ فراهم آمده و در بردارنده روایات برخی اعضای خانواده و یاران نزدیک آن عارف‌گرانمایه است. امید می‌بریم که انتشار این یادواره فتح بایی باشد برای بررسی و تبیین منش علمی و عملی این یار دیرین انقلاب و نظام اسلامی از سوی پژوهندگان تاریخ انقلاب و نمایانند نقش او در تحولات مهم دینی، فرهنگی و سیاسی تاریخ معاصر ایران. امید می‌بریم که انتشار این یادنامه بر نکته در سالروز رحلت عالم مجاهد حضرت آیت‌الله خزعلی (قده) علاوه بر آشنایی بیشتر جامعه محقق و پژوهشگر با ابعاد گوناگون شخصیت و مبارزات آن بزرگ، موجب شادی روان آن روحانی بر فضیلت در دنیای باقی گردد؛ ان‌شاءالله.